

ماهیت تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی (با تأکید بر تحریم‌های ج.ا.ایران)

همت اله شمولی^۱

حسین یعقوبی^۲

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر تبیین ماهیت تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه از سوی آمریکا و شورای امنیت علیه ایران یا کشورهای دیگر و حتی اعضا سازمان تجارت جهانی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم‌های ج.ا.ایران می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که ماهیت تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی با تأکید بر تحریم‌های ج.ا.ایران چیست؟ فرضیه پژوهش بر این امر تأکید دارد که تحریم‌های آمریکا علیه ایران یا کشورهای دیگر و اعضا سازمان تجارت جهانی، به منظور تحمیل سیاست‌های خود و تغییر رفتار سیاسی کشورها و همسویی با سیاست‌های آمریکا بر این کشورها می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا در عصر حاضر رو به اضمحلال است و آخرین حربه این کشور برای تحمیل قدرت خود بر دیگر کشورها، استفاده از ابزار تحریم می‌باشد که چندجانبه‌گرایی در دنیا نشان از آن دارد که تحریم نیز اثر خود را از دست داده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که دهه چهلیم خود را جشن

۱. دکتری علوم سیاسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا. hshamouli@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان h_ayobi40@yahoo.com

می‌گیرد، از ابتدای پیروزی انقلاب از سوی آمریکا تحت تحریم‌های مختلف قرار گرفت، ولی در حال حاضر به یکی از قدرت‌های مهم غرب آسیا تبدیل شده است. ج.ا.ایران در عرصه عمل نشان داده است که تحریم‌ها اثری روی آن ندارد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد و ابزار گردآوری اطلاعات با توجه به عنوان مقاله روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از اسناد مرتبط با تحقیق می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحریم‌های یکجانبه، تحریم چندجانبه، سازمان تجارت

جهانی، ج.ا.ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

حقوق بشر، اصول و اسناد بین‌المللی مرتبط با آن در حال حاضر مورد تأکید و پذیرش همه دولت‌های دنیا قرار گرفته است. علی‌رغم انتقاداتی که به حقوق بشر وارد شده است و از آن به عنوان آرمان‌گرایی در حقوق بین‌الملل یاد می‌شود و وجود جنگ‌های مختلفی که در دنیا وجود دارد و در همه آن‌ها دولت آمریکا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش دارد، گویای آن است که حقوق بشر صرفاً در روی کاغذ جای دارد و در عمل حرفی برای گفتن ندارد؛ چراکه گفتمان واقع‌گرایی به عنوان گفتمان مسلط در عرصه روابط بین‌الملل حاکم می‌باشد، ولی نادیده گرفتن اصول حقوق بین‌الملل به خصوص حقوق بشر برای رسیدن به هدف مورد تأیید هیچ کشوری در دنیا نمی‌باشد. نسل‌های مختلف حقوق بشر گویای این مطلب است که تمامی کشورها از ابتدایی‌ترین حقوق خود تا حقوق بشر جهانی عزم جدی دارند. در نسل اول حقوق بشر که حقوق مدنی و سیاسی نامیده می‌شود؛ حق حیات، حق امنیت، حق تعیین سرنوشت، مورد تأکید همه اعضای جامعه بین‌المللی است که متأسفانه دولت آمریکا در حال حاضر همین حقوق ابتدایی را نیز زیر پا گذاشته و نقض کرده است و بدون دلیل از کشورهای متجاوز که همسو با منافع ملی آن‌هاست، حمایت می‌کند. نمونه عینی آن در حال حاضر کشور عربستان سعودی می‌باشد که حقوق مردم یمن را نقض کرده و نه تنها در هیچ‌یک از مجامع بین‌المللی محکوم نمی‌شود، بلکه از آن حمایت هم می‌شود. در نسل دوم حقوق بشر که به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاد می‌شود، دولت آمریکا با نقض این حقوق و اعمال تحریم علیه کشورها مسلم‌ترین حقوق بشر را نقض می‌کند و در عین حال مدعی نظارت بر حقوق بشر است. در نسل سوم حقوق بشر که از آن به حقوق



همبستگی یاد می‌کنند، کشور آمریکا از مهم‌ترین پیمان‌های مهم جهانی به خصوص پیمان حفاظت از محیط‌زیست، پیمان مبارزه با فروش تسلیحات و مبارزه با مافیای مواد مخدر خارج شده و در عمل اثبات کرده که پایبند به هیچ‌یک از اصول حقوق بشر نمی‌باشد. تحریم‌های دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران که شامل تحریم‌های بهداشتی دارویی، تحریم فروش نفت، حق دسترسی به اطلاعات، تحریم نهادهای امنیتی ج.ا.ایران به خصوص تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همگی این تحریم‌ها گویای این مطلب است که این تحریم‌ها در راستای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران و حمایت از رژیم صهیونیستی که حقوق ابتدایی و اولیه مردم فلسطین را زیر پا گذاشته، می‌باشد. لذا ماهیت تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و به خصوص جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به هدف خود که همان تغییر رفتار سیاسی این کشورها و همسو شدن با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا می‌باشد که تاکنون جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن ایستادگی کرده و با تشکیل محور مقاومت در غرب آسیا باعث ناکامی آمریکا جهت رسیدن به اهداف خود شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



۱- چارچوب نظری

در این پژوهش چارچوب نظری بر مبنای تحریم می باشد که در اسناد بین المللی مورد توجه قرار گرفته است.

۲- تعریف مفاهیم

مهم ترین اصطلاحات در ارتباط با تحریم به شرح توضیح داده می شود.

۲-۱- تحریم

تحریم محدودیت های یک دولت یا جامعه بین المللی علیه یک کشور یا یک گروه است. به معنایی دقیق تر، مفهوم تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی - بین المللی رایج است. (حدادی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

۲-۲- انواع تحریم

در یک نگاه کلی، تحریم ها از منظر شدت و سطح اعمال تحریم ها به یکجانبه، هدفمند، هوشمند، اولیه یا ابتدایی و ثانویه تقسیم می شود.

۱) تحریم یکجانبه: منظور از تحریم یکجانبه محدودیت ها و ممنوعیت هایی است که یک دولت بر دولت یا دولت هایی وضع می کند. در این فرایند، دولت ها جدا از قطعنامه های شورای امنیت به محدودیت یا قطع روابط با دیگر دولت ها مبادرت می ورزند. (یزدان فام، ۱۳۸۷: ۱۹)

۲) تحریم همه جانبه: در این نوع از تحریم ها معافیت های بشردوستانه در نظر گرفته نمی شود، کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز مردم کشور هدف تحریم می شود.



۳) تحریم هدفمند یا هوشمند: در این نوع از تحریم، اشخاص حقیقی یا حقوقی، دولتی و غیردولتی که منشأ رفتارهای دولتی می‌باشند، مورد نظر است. (حدادی، ۱۳۸۹: ۲۹)

۴) تحریم اولیه یا ابتدایی: این نوع از تحریم‌ها تنها محدودیت در روابط بین دو کشور مربوط می‌شود.

۵) تحریم ثانویه: در صورتی که تحریم کننده بر دولت‌هایی که با کشور مورد تحریم به ایجاد رابطه مبادرت ورزند، محدودیت و ممنوعیت اعمال نماید، تحریم ثانویه صورت می‌گیرد.

۶) از دیدگاه داخلی و بین‌المللی نیز امکان تقسیم‌بندی تحریم‌ها وجود دارد.

الف) تحریم‌های خصوصی (ملی): توسط افراد، گروه‌ها و تشکیلات غیردولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباع آنان به انجام رفتار مشخص یا بیزاری از رفتار یک دولت یا تابع آن صورت می‌گیرد.

ب) تحریم دولت‌ها علیه یکدیگر: به عنوان یکی از روش‌های غیردوستانه در سیاست خارجی برای تحقق هدف‌ها و تأمین منافع ملی قلمداد می‌شود.

۷) تحریم‌های جمعی: شامل شورای امنیت سازمان ملل متحد و اعمالی از سوی دیگر سازمان‌ها و نهادها نظیر اتحادیه اروپا.

همچنین تحریم‌ها از منظر حوزه‌های مختلف به بازرگانی، مالی و بانکی، سرمایه‌گذاری، آموزشی، انتقال دانش، سیاسی، نظامی، ورزشی، فرهنگی و افراد تقسیم می‌شود که تعاریف آن‌ها عبارت‌اند از:

تحریم بازرگانی: به صورت کلی شامل محدود کردن واردات و صادرات به کشور هدف است.



بایست تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

تحریم مالی و بانکی: شامل مسدود کردن دارایی‌های کشورهای هدف، ایجاد محدودیت در دسترسی دولت مدنظر به بازارهای خارجی، محدودیت یا ممنوع کردن اعتبارها، وام‌ها و مسدود کردن پرداخت‌های انتقالی و بین‌المللی و بازرگانی خارجی می‌باشد.

تحریم سرمایه‌گذاری: ایجاد ممنوعیت یا محدودیت در سرمایه‌گذاری در کشور مورد هدف می‌باشد.

تحریم حمل‌ونقل: کلیه ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها در حمل بار و کالا در حوزه‌های زمینی، دریایی و هوایی است.

تحریم افراد: دانشمندان و متخصصان، بازرگانان، بانکداران و ثروتمندان، افراد مسئول در پست‌های تصدی‌گری دولتی مانند مسئولان کشتیرانی را شامل می‌شود. تحریم انتقال دانش و فناوری: در این نوع از تحریم‌ها فناوری، دانش کالاها، ابزار و تجهیزات جهت تولید انتقال نمی‌یابد، مانند فناوری‌های تولید نفت ایران.

تحریم سیاسی: شامل اقداماتی همچون تعلیق یا اخراج کشور از سازمان‌های بین‌المللی، منع حضور و شرکت دیپلمات‌های کشورهای هدف تحریم در کشورهای تحریم‌کننده یا میزبان سازمان‌های جهانی می‌باشد.

تحریم نظامی: واردات و صادرات یا مشارکت در تولید تمامی یا تعدادی از کالاهای نظامی مورد تحریم آمریکا از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بیش از ۴۰ کشور در سراسر جهان به اتهام فروش تسلیحات به ایران مورد تحریم قرار داده است.

تحریم ورزشی و فرهنگی: منع شرکت ورزشکاران در مسابقات بین‌المللی، منع شرکت در نمایشگاه‌های فرهنگی مانند کتاب و فیلم.



تحریم آموزشی: ممنوعیت برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در کشورهای تحریم شونده و ارائه خدمات به آن‌ها از مصادیق تحریم آموزشی است.

تحریم مسافرتی: منع یا اعمال محدودیت بر مسافرت افراد حقیقی و شهروندان کشور هدف تحریم به کشورهای دیگر مانند نیاز به انگشت‌نگاری ایرانی‌ها هنگام ورود به ایالات متحده که پس از آن دولت‌های دیگری مثل عربستان و امارات متحده عربی از این اقدام پیروی کردند. (احمد خان بیگی، ۱۳۹۰: ۷)

۳-۲- مبانی تحریم

علی‌رغم اینکه در عصر حاضر، در عرصه روابط بین‌الملل تحریم‌ها اغلب به عنوان ابزار سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در جامعه علمی این حوزه از سیاست در مورد میزان اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. هافبائر، اسکات والیوت (۱۹۹۰) که در زمینه تحریم‌ها صاحب‌نظر هستند، تحریم‌های اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کنند: «انصراف یا تهدید تعمدی از ناحیه یک دولت از تجارت رایج یا روابط مادی، منظور از رایج روابطی است که در صورت عدم اعمال تحریم رخ می‌دهند. به عبارت دیگر، این سه، تحریم‌های اقتصادی را محدودیت بر روابط تجاری و مالی میان کشورها قلمداد می‌کنند.»

بالدوین (۱۹۸۵) تعریف وسیع‌تری را از تحریم‌های اقتصادی ارائه می‌دهد: «وی تحریم‌های اقتصادی را در کنار ابزار غیراقتصادی همچون دیپلماسی و تبلیغات، بخشی از امر کشورداری و سیاست‌مداری می‌داند». در تعاریف جدیدتری که از تحریم ارائه شده می‌توان به تعریفی که مارینف (۲۰۰۵) از تحریم‌های اقتصادی ارائه می‌دهد، اشاره کرد، وی معتقد است: «تحریم‌ها محدودیت‌هایی هستند بر تبادلات اقتصادی رایج که به منظور تغییر رفتاری خاص در یک کشور اعمال می‌شوند.»



بایست تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

بدین ترتیب، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند، اهداف مختلفی را در زمینه سیاست خارجی دنبال کنند». بنا بر نظر کمپفر و لوئبرگ (۱۹۹۲) تحریم‌ها برای دستیابی به سه هدف کلی اعمال می‌شوند: «اول اینکه، تحریم‌ها زمانی انجام می‌شوند که سیاست‌های یک کشور خاص، رفاه یا امنیت کشور اعمال‌کننده را تهدید می‌کنند. به عنوان مثال، در مورد تحریم‌های آمریکا علیه ایران، این کشور برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه امنیت آمریکا می‌داند و بدین بهانه سعی دارد با اعمال تحریم‌ها، ایران را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خود، باز دارد. دوم اینکه، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند در پی علل اخلاقی یا ایدئولوژیکی اعمال گردند. در این مورد، می‌توان نقض حقوق بشر را دلیلی برای اعمال تحریم دانست که یکی از بهانه‌های آمریکا برای اجرای تحریم‌های شدید علیه ایران دانست. سوم اینکه، تحریم‌ها می‌توانند در حوزه سیاست‌های تجاری و روابط بازرگانی در واکنش به سیاست‌های تجاری نامطلوب کشورها اعمال شوند.»

تحریم‌ها شکلی از جنگ‌ورزی هستند، با این تفاوت که در جنگ نظامی حداقل در زمان‌های قدیم تنها سربازان، درگیر جنگ و نبرد می‌شدند، اما در تحریم‌ها تنها شهروندان هستند که مورد هدف قرار می‌گیرند. استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک سلاح، همچنین بر مبنای این فرض است که مقررات بین‌المللی و سازمان‌های مجری این قوانین هیئتی از بوروکرات‌هایی هستند که خود را بر منصب قضاوت در مورد کشورهای یاغی می‌دانند و در عمل، دستگاه برنامه‌ریزان اقتصادی دنیا را تشکیل می‌دهند و برخلاف نظر افرادی همچون ویلسون که معتقد است تحریم‌ها صورت تلطیف شده‌ای از جنگ هستند و از وقوع جنگ‌های سخت جلوگیری می‌کنند. ریموند بر این باور است که جنگ‌ها اغلب در پی تحریم‌های شدید رخ داده‌اند.



رابرت دابلیو مک جی (۱۹۹۸) معتقد است: «تحریم‌ها نه تنها جمعیت شهروندی بی‌گناه را تنبیه می‌کنند، بلکه اغلب مردمی را که پیش از آن نیز قربانی سیاست‌های دولت خود بوده‌اند، مجازات می‌کنند. بنابراین ضرر مضاعف دارند و حتی در زمانی که با شکست کامل مواجه نمی‌شوند، می‌توانند عواقب مخربی به همراه داشته باشند. از آنجایی که تحریم‌ها یک بازی حاصل جمع منفی محسوب می‌شوند، زیان‌دیدگان تحریم‌ها بیشتر از سود بردگان آن خواهند بود.»

اغلب اقتصاددانان فلسفه سودگرایانه تحریم‌ها را علی‌رغم دو نقص جدی می‌پذیرند: اول اینکه، محاسبه ضررها و زیان‌های ناشی از تحریم غیرممکن است. دوم اینکه، اعمال تحریم‌ها به نادیده گرفتن کلی حقوق افراد منجر می‌گردد. در سیاست بین‌الملل، دو منطق در زمینه کارکرد کشورها در تحریم وجود دارد. از یک دیدگاه، نظام بین‌الملل در برگیرنده واحدهای سیاسی برابر است و خود نظام نیز در وضع انارشی است. بدین‌سان، در نظامی که یک حکومت جهانی وجود ندارد که بتواند نظم سیاسی را برقرار کند، کشورها بر پایه اصل خودیاری برای دفاع از خود دست به اقداماتی همچون تحریم می‌زنند. از سوی دیگر، نظر فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار دارد. از دید این گروه، در زمینه تنبیه باید نوعی سلسله مراتب موجود باشد تا یک کنشگر بتواند در سطح بین‌المللی کنشگر دیگر را تحریم کند. از این دیدگاه، کشورها را نباید بازیگرانی برابر فرض کرد؛ یعنی تحریم اقتصادی در واقع اقدام قدرت برتر بر ضد کشور فرودست به منظور تنبیه آن و در پاسخ به رفتاری است که مورد علاقه کنشگر هژمون نبوده است. این اقدام قدرت برتر یا هژمون نیز نه برای حفظ و بقای نظم هژمونیک، بلکه به منظور برقراری نوعی هنجار تازه در سطح بین‌المللی است که با خواست و نیازهای کشور هژمون همخوان می‌باشد. (زهرانی، ۱۳۸۷: ۷۷)



۴-۲- اهداف تحریم

تحریم‌ها به طور معمول اهداف زیر را دنبال می‌کند. لازم به ذکر است امکان پیگیری یک هدف یا هم‌زمان بیش از آن از سوی تحریم‌کنندگان وجود دارد.

۱- بی‌ثبات کردن نظام سیاسی کشور: «مارگارت دوکسی» تحریم‌ها در تغییر اساسی سیاست نظامی و خارجی دولت موفق نخواهند بود. (نژندی منش، ۱۳۸۵: ۳) برخی این نظر را مطرح نموده‌اند که تحریم‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که بر مردم عادی یک کشور آسیب وارد سازد تا آنان بر رهبران سیاسی خود جهت تغییر سیاست‌شان اعمال فشار نمایند، اما این امر در مورد نظام‌های غیر دموکراتیک تأثیری ندارد، زیرا این قبیل نظام‌ها در معرض چنان فشاری از جانب مردم قرار نمی‌گیرند و به طور معمول به هنگام مواجهه با یک مشکل خارجی، حمایت جمعی قوی‌تری از دولت و بسیج نیز می‌کنند.

۲- تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف یا در مرحله خفیف‌تر تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌های یک دولت اعم از داخلی یا خارجی

۳- تنبیه و مجازات یک دولت به علت اعمال سیاست‌های برخلاف حقوق بین‌الملل یا منافع تحریم‌کنندگان: عراق به دلیل حمله به کویت با توجه به سابقه تجاوز به ایران، تحت تحریم قرار گرفت. (احتشامی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

۴- پیشگیری از دستیابی یک کشور یا هر بازیگری در عرصه نظام بین‌الملل به توانمندی‌هایی که امکان خطرآفرینی برای صلح و امنیت بین‌المللی داشته باشد.

۵- نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های یک کشور

۶- بر حذر داشتن کشور مورد هدف از تعقیب برخی سیاست‌های ناخوشایند تحریم‌کننده: تحریم ایالات متحده آمریکا علیه پرو در سال ۱۹۶۸ با هدف منصرف



نمودن آن کشور از خرید هواپیماهای جنگنده از فرانسه از نمونه‌های آن می‌باشد.

(زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

۷- جهت خودداری از جنگ یا محدود کردن و خاتمه جنگ: کالین کل معاون مشاور وزیر دفاع «مقاله‌ای در نشریه روابط خارجی ۲۰۱۲ تحت عنوان زمان حمله به ایران نیست» نوشته است اعمال تحریم‌های سنگین و گسترده اقتصادی به جای اقدام نظامی پیگیری شود.

۸- مهار یک یا چندجانبه به منظور خنثی نمودن یا کاهش دامنه تهدیدها

۹- مقدمه‌ای جهت به‌کارگیری قوه قهریه توسط سازمان ملل متحد یا دول تحریم

کننده

۳- ماهیت و اهداف تحریم‌های یکجانبه و بررسی آن از منظر حقوق بین‌الملل

به طور کلی شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، این اختیار را دارد تا به منظور اجرای تصمیمات خود جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌هایی را علیه کشورها اعمال نماید. از سوی دیگر، برخی کشورها یا گروهی از کشورها نیز به دلایل مختلف، از ابزار تحریم به طور یکجانبه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. هرچند تحریم‌های شورای امنیت به عنوان تحریم‌های یکجانبه تلقی نمی‌شوند، اما بر طبق منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل تابع محدودیت می‌باشند. در مورد غیرقانونی بودن تحریم‌های یکجانبه نیز مبنی مختلفی در حقوق بین‌الملل وجود دارد. (جاوید، ۱۳۹۳: ۲۲)

ایالات متحده نقش تعیین کننده و محوری در اعمال تحریم‌ها هم یکجانبه و هم چندجانبه ایفا کرده است که در این میان بیشتر تحریم‌ها علیه ملت‌های ضعیف‌تری



بابت تحریم های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

اعمال شده که سیاست هایشان با منافع ایالات متحده آمریکا در تضاد بوده است. تحریم های اقتصادی یکجانبه، اقدامی اجباری هستند که توسط یک دولت، علیه کشور دیگری یا حکومت یا اشخاص و نهادهای تحت صلاحیت آن و با هدف وادار ساختن آن کشور جهت تغییر رفتار یا سیاستی که باعث به کارگیری تحریم ها شده است، اعمال می شوند. مطابق با این رهیافت، تحریم های اقتصادی محدود هستند، به محدودیت بر تجارت، سرمایه گذاری و دیگر فعالیت های اقتصادی فرامرزی که درآمد و منافع تجاری دولت هدف را کاهش می دهد و از این طریق اعمال تغییرات مورد نظر را بدون توسل به اقدام نظامی تسهیل می سازند. بنابراین، می توان گفت که از آنجایی که یکی از منطبق هایی که پشت تحریم های اقتصادی قرار دارد، اجتناب از برخورد نظامی میان طرفین است، بنابراین اقداماتی همراه با دخالت عنصر نظامی به کار گرفته می شود. (بزرگی، ۱۳۸۸: ۸۱)

با این اوصاف می توان گفت که مهم ترین و اساسی ترین هدف تحریم های اقتصادی همانا محدود ساختن تجارت خارجی و جریان سرمایه گذاری خارجی یا ممنوعیت یا محروم ساختن از منافع و مزایای اقتصادی از قبیل کمک های دولتی در قبال کشور هدف یا دیگر بازیگران غیردولتی در جهت اجرای اهداف سیاست خارجی است. تحریم های اقتصادی ممکن است اهدافی سیاسی را نیز دنبال کنند. در این موارد غالباً تحریم ها به منظور بازداشتن یا اعمال فشار و اجبار بر دولت هدف یا دیگر دولت ها و اشخاصی که مستقیماً هدف تحریم نیستند، اما با دولت هدف روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی دارند، اعمال می شوند. در مورد ماهیت تحریم های اقتصادی برخی معتقدند که تحریم هایی هستند که نمی توان مجازات بعداً آن ها را لغو یا حذف کرد و به همین خاطر دارای ماهیت تنبیهی هستند. اما باید اشاره نمود



که این تعریف غالب اشکال تحریم‌های اقتصادی از قبیل مسدودسازی دارایی‌های مالی و کنترل صادرات را شامل نمی‌شود؛ چراکه در این موارد، امکان لغو تحریم‌ها وجود دارد آنگاه که تغییری در رفتار کشور هدف پدید می‌آید. در واقع وضع تحریم و لغو آن امری ارادی است و به خواست طرف اعمال‌کننده بستگی دارد. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند از دو جنبه مثبت و منفی هم مورد توجه قرار بگیرند. تحریم‌های اقتصادی مثبت، آنگونه تحریم‌هایی هستند که در آن دولت اعمال‌کننده در قبال تغییر رفتار یا سیاست دولت هدف یا تبعیت آن از سیاستی خاص، به این دولت اجازه می‌دهد که دسترسی بیشتری به بازارهای آن داشته باشد یا کمک‌های مالی خود را به آن افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، در تحریم‌های مثبت یکسری مشوق‌های اقتصادی به دولت هدف پیشنهاد می‌شود از جمله کمک‌ها و مساعدت‌های مالی و پرداخت وام و سایر امتیازات تجاری در قالب موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی. در این تحریم‌ها به کشور هدف فشار وارد می‌شود تا در صورتی که این کشور سیاست یا رفتار خود را تغییر داد، از این امتیازات و مشوق‌های تجاری برخوردار خواهد شد. کلیه اشکال تحریم که توضیح داده شد در زمره تحریم‌های منفی قرار می‌گیرند. این تحریم‌ها متضمن اقدامات عملی و بالفعل یا تهدید به اقداماتی هستند که هزینه‌هایی را به دولت هدف تحمیل می‌کنند یا به دلیل پیروی این دولت از سیاستی خاص یا عدم پیروی از سیاستی خاص، منافع و مزایای تجاری و اقتصادی از آن سلب می‌شود. بنابراین، وعده استرداد این امتیازات در صورت تبعیت دولت خاطی از رفتار یا سیاستی معین، به منزله مشوق اقتصادی یا تحریم مثبت نخواهد بود. (نعمتی، ۱۳۹۲: ۲۵)



۴- مشروعیت تحریم های یکجانبه اقتصادی در حقوق بین الملل

می توان گفت که از اوایل دهه ۱۹۹۰ کشورهای قدرتمند به طور چشمگیری تحریم های اقتصادی را خواه در قالب برنامه های تحریمی شورای امنیت و نهادهای منطقه ای مانند جوامع اروپایی و خواه به طور مستقل و یکجانبه در پیش گرفته اند. بنابراین، به موازات افزایش حجم استفاده از این ابزارها، مسائل حقوقی و اقتصادی مهمی در خصوص توانایی و صلاحیت دولت ها جهت اعمال تحریم ها و استفاده از آن ها برای نیل به اهداف سیاست خارجی از پیش تعیین شده خود و نیز آثار تحریم ها بر فعالیت های تجاری بین المللی و نظارت و تنظیم بازارهای مالی و شرکت ها مطرح گردیده است، از جمله اینکه دولت هایی بر تجارت ها و سرمایه گذاری های مشروع و قانونی که با کشور هدف دارند، اعمال می نمایند. (بزرگی، ۱۳۸۱: ۱۶)

در پاسخ باید گفت که ابزارهای حقوقی و قانونی که از طریق آن ها سیاست تحریم ها اعمال می شوند، می تواند اشکال مختلفی داشته باشند. برخی دولت ها قوانینی را در نظام حقوقی خود به تصویب رسانده اند که اجرای اقداماتی را در قبال دولت یا دولت هایی خاص تجویز می کنند. در حالی که دولت های دیگر قوانینی را تصویب کرده اند که به موجب آن به نهادهای حکومتی، اختیار تدوین قوانین و شروطی را تفویض می کنند که برای انجام برخی معاملات تجاری، باید آن شروط اجابت شود تا اجازه انجام این معاملات صادر شود. مشروعیت برنامه تحریمی اتخاذ شده توسط یک دولت تا حدودی می تواند از رهگذر میزان شفافیت مقررات و قواعد قانونی منشأ این تحریم ها بررسی شود. به عبارتی دیگر، منظور این است که اهداف و مقاصد این تحریم ها باید به وضوح در قوانین و مقررات ذی ربط درج شود و انتظارات رفتار خاصی که از دولت هدف تحریم ها وجود دارد، صریحاً بیان شود و



همچنین احتمالات و شرایطی که در صورت بروز آن، تحریم‌ها لغو خواهند شد نیز باید دقیقاً مورد اشاره قرار گیرند.

از سوی دیگر، میزان مشروعیت و قانونمندی تحریم‌های اعمال شده را می‌توان از رهگذر نوع تضمینات رویه‌ای و شکلی که برای اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع تحریم‌ها پیش‌بینی می‌شود تا بتوانند شکایات خود را مطرح سازند، ارزیابی کرد. علاوه بر این، در مواردی پیش می‌آید که دولت‌ها برای توجیه مبانی حقوقی تحریم‌های اعمال شده و کنترل و نظارت‌های ذی‌ربط بر روابط تجاری کشور هدف و اشخاص ثالث، بر دکترین‌های حقوقی دیگری اتکا می‌کنند، به عنوان مثال برخی دولت‌ها همچون ایالات متحده آمریکا در راستای توجیه اعمال کنترل و محدودیت بر روابط تجاری دولت‌ها و طرفین ثالث، به مفهوم صلاحیت فرا سرزمینی استناد کرده است؛ یعنی علاوه بر ایجاد ممنوعیت یا محدودیت برای اتباع و اشخاص، سایر دولت‌ها و اشخاص حقوقی و حقیقی خارجی را نیز از معامله و برقراری روابط تجاری با کشور هدف منع می‌کنند یا محدودیت‌هایی را برای آن‌ها به وجود می‌آورند. در مواردی نیز دولت‌ها از طریق هماهنگ ساختن سیاست‌ها و قوانین و مقررات خود در زمینه اجرای تحریم‌ها، به صورت متحد و منسجم علیه دولت‌های هدف اقدام کرده‌اند. به عنوان مثال دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در طول جنگ جهانی دوم قوانین داخلی خود را در زمینه‌های مربوط به کنترل صادرات و مسدودسازی دارایی‌های بیگانگان هماهنگ کرده و به صورت یکدست علیه دول محور، اعمال می‌کردند. معمولاً در زمان مخاصمات مسلحانه دولت‌ها از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری جهت تقلیل توان اقتصادی کشور هدف استفاده کرده‌اند؛ چراکه قدرت اقتصادی به عنوان یکی از عناصر مهم و حیاتی قدرت دولت محسوب



بایست تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

می‌شود و در زمان جنگ فی‌مابین دو دولت، استفاده از ابزار اقتصادی جهت کاهش توان اقتصادی طرف مقابل، یکی از شیوه‌های مشروع جهت غلبه بر طرف متخاصم به حساب می‌آید. در واقع در این موارد ما با یک جنگ اقتصادی مواجه هستیم. در این میان دولتی که از توان اقتصادی برتری برخوردار باشد، در موضع قدرت خواهد بود. به عبارت دیگر، برگ برنده دولت‌ها در جنگ اقتصادی در میزان شدت و ضعف وابستگی اقتصادی آنهاست. هرچه یک دولت به لحاظ اقتصادی دارای وابستگی بیشتر به کمک‌های خارجی باشد، به همان نسبت در قبال این ابزارهای اقتصادی آسیب‌پذیرتر خواهد بود. (جاوید، ۱۳۹۳: ۲۲)

۵- اصول حقوق بین‌المللی حاکم بر کاربرد یکجانبه تحریم‌های اقتصادی

در تحلیل و بررسی اصولی که می‌توان بر تحریم‌های اقتصادی جاری ساخت، باید نقطه تمرکز را بر روی اصول و قواعد ناظر بر سه دسته از اقدامات در استفاده از تحریم‌های اقتصادی یکجانبه قرار داد. بنابراین تحریم‌های اقتصادی یکجانبه را می‌توان به دو دسته اقدام تقسیم‌بندی کرد: اقدام مقابله‌به‌مثل و اقدام متقابل. مشروعیت هر کدام از این اقدامات طبق حقوق بین‌الملل بستگی به اصول و قواعدی دارد که بر هر دسته حاکم است. اقدام مقابله‌به‌مثل، عملی قانونی است که هدف از آن مجازات دولت خاطی است. این عمل بدان جهت قانونی است که در آن هیچ تعهدی نقض نمی‌شود، مگر در جایی که به موجب معاهده‌ای خاص، دولت از مبادرت به این قبیل اقدامات منع یا اختیاراتش محدود شده باشد. هر دولتی می‌تواند اقداماتی را اتخاذ کند که بدون نقض تعهد، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... را بر دولت هدف یا اشخاص تحت صلاحیت او تحمیل کند. اقدام مقابله‌به‌مثل در واکنش به



اقداماتی اتخاذ می‌شود که دولت هدف در پیش گرفته و موجب نقض تعهدات خود در قبال دولت تحریم کننده یا لطمه به منافع آن شده است. این اقدامات بدون قید حصر شامل محدودسازی روابط تجاری با دولت هدف، اعمال فشار بر شرکت‌های خارجی و کشورهای ثالث برای عدم انجام معامله و برقراری روابط تجاری با کشور هدف، تعلیق کمک‌های اقتصادی به دولت هدف و... باشد. (بزرگی، ۱۳۸۱: ۱۷)

مبنای اتخاذ این اقدام مقابله به مثل، به مسئله خودیاری در حقوق بین‌الملل بر می‌گردد. موضوع مهمی که در زمینه اجرای تحریم‌های اقتصادی یکجانبه خودنمایی می‌کند، این است که اعمال این اقدامات تحریمی با اجرای فرا سرزمینی ملی دولت تحریم کننده گره خورده است. از این رو، مشروعیت این اقدامات را با چالش حقوقی بین‌المللی مواجه ساخته است، از جمله این چالش‌ها اینکه گفته می‌شود، اعمال یکجانبه تحریم‌های اقتصادی با اصول اساسی حقوق بین‌الملل همچون اصل حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در امور داخلی همدیگر مغایرت دارد، اگرچه استناد به این اصول در قبال تحریم در واکنش به نقض قواعد آمره بین‌المللی مثل نقض‌های فاحش حقوق بشر فاقد جاهت قانونی است. مطالعات فزنی

۶- صلاحیت فرا سرزمینی در اعمال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه و رویه بین‌المللی دولت‌ها

صلاحیت فرا سرزمینی بدان معناست که دولت‌ها بخواهند قوانین داخلی خود را ماورای قلمرو سرزمینی خود به اجرا در آورند، به گونه‌ای که می‌تواند تعارض‌هایی را با صلاحیت دیگر دولت‌ها دامن بزند؛ چراکه این مسئله به منزله نقض حاکمیت سرزمینی دولت‌های ثالث است. بر این اساس، اعمال مسئولیت بر اساس تحریم‌های



بایست تحریم های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

اقتصادی فقط محدود به افراد و شرکت هایی می شود که در کشور تحریم کننده فعالیت می کنند یا در آنجا به ثبت رسیده اند. فعالیتی که در خارج از سرزمین ایالات متحده آمریکا صورت می پذیرد، آثاری جدی و مستقیم در داخل قلمرو سرزمینی آن بر جای خواهد گذاشت. در واقع، تأثیر سرزمینی اقدام خارج از قلمرو ایالات متحده، عامل تعیین کننده ای است که صلاحیت فرا سرزمینی ایالات متحده آمریکا را توجیه می سازد. (جاوید، ۱۳۹۳: ۲۲)

۷- تحریم ها بر اساس قواعد سازمان تجارت جهانی

تحریم های آمریکا علیه کشورهای مختلف از جمله ایران، در بسیاری از موارد دارای ماهیت ثانویه نیز هستند. با در نظر گرفتن اینکه عموماً کشورهای که با این تحریم ها هدف قرار گرفته اند، اعضای سازمان تجارت جهانی و دیگر معاهدات بین المللی نیز بوده یا موافقت نامه های دوجانبه با آمریکا دارند، این سؤال مطرح می شود که تا چه میزان تحریم های یکجانبه و ثانویه به حقوق بین الملل تجارت و معاهدات دوجانبه و چندجانبه پایبند است؟

سازمان تجارت جهانی تا اول ژوئن ۲۰۱۷، دارای ۱۶۴ عضو و ۲۱ عضو ناظر بوده است که در مجموع، بیش از ۹۵/۹۹ درصد تجارت جهانی، ۹۷/۹۹ درصد تولید ناخالص داخلی و ۳/۹۹ درصد جمعیت جهانی را تشکیل می دهد. نهاد حل و فصل سازمان تجارت جهانی به عنوان بخش قضایی، از مهم ترین ارکان سازمان می باشد. از سال ۱۹۹۵ تا اول ژوئن ۲۰۱۷ میلادی نیز ۵۰۰ شکایت نزد این نهاد به ثبت رسیده و هیئت های سازمان تجارت جهانی ۳۵۰ تصمیم اتخاذ کرده اند. حدود ۹۰ درصد تصمیمات منجر به احراز نقض مفاد سازمان تجارت جهانی می شود و در بیش از



۹۰ درصد نیز کشورهای خواننده به این تصمیمات پایبند هستند. با این سابقه روشن در حل و فصل اختلافات، موجب تعجب است که در سازمان تجارت جهانی استثنائی غیرقابل تجدیدنظر نسبت به تمامی قواعد سازمان یافت می‌شود که اعمال آن منحصرأ در اختیار کشورهای عضو قرار گرفته است. (www.wto.org)

ماده ۲۱ موافقت‌نامه عمومی استثنای امنیتی تعرفه و تجارت (گات) مقرر می‌دارد، هیچ چیزی در این موافقت‌نامه نباید به گونه‌ای تعبیر شود که:

الف) کشور عضو را ملزم نماید تا اطلاعاتی ارائه نماید که افشای آن را مغایر با منافع امنیتی اساسی خود می‌بیند؛

ب) کشور عضو را از اتخاذ هر اقدامی که برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی خود در حوزه‌های زیر ضروری می‌بیند، منع نماید: در ارتباط با مواد مستقیم شکافت‌پذیر یا مواد مشتق از آن‌ها، در ارتباط با قاچاق تسلیحات، مهمات و ابزار جنگی و قاچاق سایر کالاها و موادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با هدف تأمین یک قرار گاه نظامی سروکار دارند؛ هر اقدامی در زمان جنگ یا دیگر وضعیت‌های اضطراری در روابط بین‌الملل؛

ج) منع هر کشور عضو، از اتخاذ اقدامی در پیگیری تعهدات خویش تحت منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.

از این رو، استثنای امنیتی پنج مقوله را در بر می‌گیرد: اطلاعات امنیت ملی، مواد هسته‌ای، کالا و خدمات نظامی، جنگ و وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی، تعهدات منشور ملل متحد، فقط یکی از استثنائات مزبور بند (ج) واجد یک استاندارد عینی می‌باشد و چهار استثنای دیگر، واجد وصف خود قضاوت‌کننده هستند. این در حالی است که روح و هدف معاهده، آزادسازی تجاری است و روح و هدف استثنای امنیتی حفاظت از منافع امنیتی می‌باشد.



بایست تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

تفسیر واژه ضروری نیز از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. سازمان تجارت جهانی این واژه را در گزارش پنل گات در قضیه تایلد اینگونه تفسیر کرده است که هیچ راهکاری جایگزین وجود ندارد. یک دولت عضو نمی‌تواند یک اقدام ناسازگار با دیگر مفاد گات را به عنوان یک اقدام ضروری توجیه نماید، چنانچه اقدام جایگزین دیگری که مخالف با مفاد گات نیز نمی‌باشد، مانند گفتگو و از سرگیری روابط دیپلماتیک، در دسترس هستند.

بررسی رویکرد پنل حل و فصل اختلافات سازمان تجاری در قضایای مختلف، در روشن شدن تفسیر ماده ۲۱ گات، از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد. آمریکا با تصویب دو قانون تحریمی در سال ۱۹۹۶ (قانون تحریم‌های ایران، لیبی و قانون همبستگی دموکراتیک و آزادی کوبا موسوم به هلمز - برتون) و تصمیم به تحریم شرکت‌ها و اشخاص کشورهای ثالث که این قوانین را نقض کنند، درصدد برآمد تا قوانین و سیاست‌های خود را خارج از سرزمین خود نیز اعمال نماید. جامعه اروپا بلافاصله با ابراز نگرانی شدید از فقدان سازگاری برخی جوانب این قانون یا تعهدات بین‌المللی آمریکا تحت گات، درخواستی را برای آغاز مشورت‌های سازمان تجارت جهانی در این زمینه ارائه نمود.

از نظر کمیسیون اروپا، قانون هلمز - برتون این مفاد گات را نقض می‌کند: اصل دولت کامله الوداد (ماده ۱)، اصل عدم تبعیض (ماده ۳)، آزادی ترانزیت (ماده ۵)، اصل حذف عمومی محدودیت‌های مقداری (ماده ۱۱)، مدیریت غیر تبعیض‌آمیز محدودیت‌های مقداری (ماده ۱۳)، طبیعتاً نه آمریکا و نه جامعه اروپایی تمایل نداشتند که اختلاف بر سر تحریم‌های ثانویه کوبا، به تضعیف سازمان تجارت جهانی بینجامد. از طرف دیگر، هر دو طرف نیز پیش از این به ماده ۲۱ گات متوسل شده بودند.



بایستی خاطر نشان شود که تحولات حقوق تجارت بین‌الملل به نفع اعمال تحریم‌های تجاری در راستای اهداف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر نیست. برخی تصمیمات سازمان تجارت جهانی، اشکال مختلف تحریم‌های تجاری به عنوان گزینه‌ای برای ارتقای پایداری به تعهدات بین‌المللی را رد می‌کند. قید وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی چیست و چه مرجعی در خصوص ماهیت آن تصمیم می‌گیرد، در حقوق بین‌الملل مفهومی آشنا می‌باشد، اما وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی یک اصطلاح حقوق بین‌الملل نیست. گات نیز به تعریف این اصطلاح نمی‌پردازد و تاریخ مذاکرات گات و تصمیمات گات و سازمان تجارت جهانی نیز استانداردهایی را برای تفسیر این قید ارائه نمی‌کند. وضعیت‌های اضطراری بین‌المللی می‌تواند به شرایطی محدود شود که توسل به دفاع مشروع تحت ماده ۵۱ منشور ملل متحد، همان گونه که در قضیه نیکاراگوئه استدلال کرد را توجیه نماید. هرچند ماده ۲۱ گات، ملاحظات و منافع امنیتی اعضای سازمان و توسل آن‌ها به اقدامات ضروری برای صیانت از این منافع را به رسمیت شناخته است، اما به نظر می‌رسد که صلاحیت اعضا برای تشخیص منافع امنیتی خود را نمی‌توان یک اختیار مطلق تلقی نمود، و گرنه اعضا به دلایل امنیتی و در واقع با اهداف حمایتی، می‌توانند هر لحظه تمامی تعهدات خود را زیر پا گذاشته و کارایی نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی را از بین ببرند. (بزرگی، ۱۳۸۱: ۲۴)

به طور اصولی، نظام سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، بر اصل تجارت آزاد مبتنی است. هدف این نظام، ایجاد یک نظم تجارت بین‌المللی بر اساس اصول عدم تبعیض و دسترسی برابر تمامی اعضا می‌باشد. از طرف دیگر، اصل دولت کامله الوداد مصرح در ماده یک گات و ماده دو



بایست تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

موافقت‌نامه عمومی تجارت در خدمات (گاتس)، سنگ بنای نظام تجاری در سازمان تجارت جهانی است که بر تمامی جوانب تجارت و خدمات که به هریک از اعضا سازمان اعطا می‌شود، اعمال می‌گردد. هدف اصلی دولت کامله الوداد، فراهم نمودن فرصت برابر واردات و صادرات برای اعضای مختلف سازمان تجارت جهانی و ارائه خدمات قابل مقایسه از ارائه‌کنندگان خدمات از تمامی اعضای سازمان بدون هیچ‌گونه تبعیضی می‌باشد. به عبارتی دیگر، قید دولت کامله الوداد مقرر می‌دارد که اعضای سازمان، مجاز به کاهش مزایا یا محدود نمودن خدمات به یکی از اعضا، بدون کاهش برابر آن‌ها برای تمامی اعضای سازمان نمی‌باشند. علی‌رغم وجود قید دولت کامله الوداد در موافقت‌نامه‌های تجارت بین‌المللی، آمریکا با وضع قوانین مختلف تحریمی و دستورات اجرایی رئیس‌جمهور، محدودیت‌ها و تحریم‌های ثانویه‌ای را علیه برخی از اعضای سازمان تجارت جهانی که با ایران روابط تجاری داشته یا به ارائه خدمات می‌پرداختند، اعمال نموده است. این در حالی است که این محدودیت‌ها در مورد دیگر اعضای سازمان اعمال نشده است. کاملاً آشکار است که این تحریم‌ها و محدودیت‌ها، تأثیر معکوسی را بر اصل دولت کامله الوداد داشته و می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که ماده یک گات و ماده دو گاتس در این قضیه نقض شده‌اند، علاوه بر این ماده ۱۱ گات حاوی مقرراتی برای حذف موانع غیرتعرفه‌ای نسبت به تجارت و تسهیل دسترسی به بازار است. این ماده به اعضای سازمان تجارت جهانی اجازه نمی‌دهد تا هیچ محدودیتی را از طریق سهمیه، مجوزهای واردات یا صادرات و دیگر اقداماتی که به ایجاد محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای می‌انجامد، وضع نمایند.

از این رو، تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه کشورها، شرکت‌ها و مؤسسات مالی و تجاری کشورهای ثالث که دارای روابط تجاری مشروع با ایران بودند، به بهانه



حفاظت از امنیت ملی خود، نه متناسب با مفاد گات می‌باشد و نه با این موافقت‌نامه سازگار می‌باشد و کاملاً غیرقابل توجیه و غیرقابل مجاز بوده‌اند. علاوه بر این، اعضای گات در ۳۰ نوامبر ۱۹۸۲ تصمیم گرفتند تا هنگام اعمال گزینه‌ها در رابطه با استثنائات مقرر در ماده ۲۱ گات، باید منافع کشورهای ثالث را هم که ممکن است، لطمه ببینند، در نظر بگیرند؛ چراکه آن‌ها را به طور یکجانبه وادار می‌کند تا روابط تجاری خود را با ایران، در صورت تصمیم به حفظ روابط تجاری با آمریکا، قطع نمایند.

۸- آثار حقوقی چندجانبه بودن تعهدات در سازمان تجارت جهانی

۸-۱- اجرای حق توسعه

در حال حاضر حدود دوسوم از اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته تشکیل می‌دهند. از همین روی، در تنظیم قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی با اعتقاد به رویکرد چندجانبه‌گرایی توجه ویژه‌ای به حق توسعه شده و موافقت‌نامه‌های سازمان مملو از مقرراتی در مورد توسعه است. در موافقت‌نامه‌ها امتیازات زیادی به کشورهای در حال توسعه داده شده و کشورهای کمتر توسعه‌یافته از امتیازات ویژه از جمله معافیت از بسیاری از مقررات برخوردار شده‌اند. (سایت سازمان تجارت جهانی)

آزادسازی تجارت در سطح بین‌المللی که هدف اساسی، سازمان تجارت جهانی و یکی از اصول مهم و زیربنایی این سازمان می‌باشد، در چهارچوب حق توسعه تبیین گردیده و به زعم موافقان آزادسازی تجارت این هدف به نفع کشورهای در حال توسعه است. در حقیقت توسعه از رهگذر آزادسازی تجارت تحقق می‌یابد و کشورهای در حال توسعه ذی‌نفع، بالقوه آزادسازی تجاری در زمینه کشاورزی، کالاهای تولیدی و خدمات را دارا هستند. (رضایی، ۱۳۸۱: ۷۵)



۲-۸- رفتار ویژه و متفاوت در قبال کشورهای در حال توسعه و ضعیف

یکی از آثار مهم چندجانبه‌انگاری تعهدات در سازمان تجارت جهانی، توجه ویژه به نیازهای کشورهای در حال توسعه و ضعیف در جریان تدوین و اجرای مقررات و تلاش برای تضمین سهم آنها در رشد تجارت بین‌المللی متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی آنهاست. از این رو، در اغلب موافقت‌نامه‌های سازمان، رفتاری ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و ضعیف در پیش گرفته شده است. برای مثال در تنظیم و اعمال اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی حفظ فرصت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی، زمان طولانی‌تری برای اجرا به آنها داده شده است. در موافقت‌نامه کشاورزی، کشورهای در حال توسعه عضو مجاز شده‌اند تا تعهدات مربوط به کاهش را در طول دوره‌ای حداکثر ۱۰ ساله به مرحله اجرا بگذارند و کشورهایی با کمترین درجه توسعه‌یافتگی از التزام به تعهدات مربوط به کاهش معاف گردیده‌اند. در مورد کشورهای در حال توسعه که تولیدکننده پشم هستند و اقتصاد، تجارت منسوجات و پوشاکشان به بخش پشم وابسته است، ملاحظات خاصی در هنگام بررسی سطوح سهمیه و نرخ‌های رشد آنها در مورد نیازهای صادراتیشان در نظر گرفته می‌شود. همچنین اجازه عدول از برخی از مقررات موافقت‌نامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، معافیت از برخی ممنوعیت‌های مقرر شده در مورد یارانه‌ها، افزایش ظرفیت خدمات و از جمله دسترسی به فناوری، بهبود امکانات دسترسی به کانال‌های توزیع، شبکه‌های اطلاعاتی و معافیت کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی از اغلب مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری و انتقال فناوری به این کشورها نمونه‌های بارزی از تدوین و اجرای مقررات سازمان به نفع این دسته از کشورها بر پایه تفکر چندجانبه‌گرایی



است. تبعیض ناشی از رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته از این اعتقاد است که نیازهای تجاری آن‌ها اساساً با نیازهای کشورهای توسعه‌یافته متفاوت است و نباید بر این دو دسته از کشورها قواعد تجاری یکسانی اعمال شود. (میشرلی، ۲۰۰۶: ۴۴۶) ماهیت روابط اعضا سازمان تجارت جهانی از لحاظ شکلی تعهدات سازمان تجارت جهانی در دسته معاهدات چندجانبه قرار می‌گیرند. (سایت سازمان تجارت جهانی)

از همان ابتدای تشکیل گات و همچنین در طول تشکیل سازمان تجارت جهانی همواره از نظام تجاری صحبت می‌شود، هرچند که در نام این سازمان واژه جهانی به کار رفته است. البته با توجه به تعداد اعضای رسمی و اعضای ناظر آنکه تقریباً با اندکی تفاوت با شمار اعضای سازمان ملل متحد برابری می‌کند، حتی می‌توان گفت که تعهدات این سازمان از لحاظ شکلی در زمره تعهدات جهانی قرار دارند. (نونزاد، ۱۳۸۳: ۴۰۳)

همان‌گونه که نام این سازمان تبلور همین واقعیت است. تعهدات سازمان تجارت جهانی علی‌الظاهر و از جنبه شکلی تعهداتی چندجانبه هستند که در روابط میان چندین دولت الزام‌آور هستند، چندجانبه بودن سازمان به شرح ذیل است:

۱- تأکید بر چندجانبه‌گرایی در اسناد سازمان

در اغلب اسناد حقوقی لازم‌الاجرای سازمان تجارت جهانی که شامل یک اعلامیه، یک سند نهایی، ۶۰ موافقت‌نامه به همراه پیوست‌های آن‌ها، تصمیمات و تفاهم‌نامه‌هاست؛ صراحتاً از یک نظام چندجانبه و در برخی موارد جهانی نام برده شده که ذکر عنوان جهانی در نام این سازمان شاهد این مدعاست. از سوی دیگر، ماهیت چندجانبه تعهدات را می‌توان به طور ضمنی با بررسی این اسناد،



استنباط نمود. در اعلامیه مراکش که در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط وزرای کشورهای شرکت کننده در مذاکرات دور اروگوئه صادر شد و تشکیل سازمان را اعلام داشت، به تصمیم کشورهای امضا کننده مبنی بر مشارکت اقتصادهای آن ها در یک نظام تجاری جهانی اشاره شده است. موافقت نامه تأسیس نیز بر نقش این سازمان در اجرا و مدیریت موافقت نامه های تجاری چند جانبه و پیشبرد اهداف آن ها تأکید گردیده است. (رضایی، ۱۳۹۰: ۹۵)

۲- اصل ملتهای کامله الوداد

اصل ملتهای کامله الوداد یکی از اصول اساسی و تعهد زیربنایی در سازمان تجارت جهانی است که رفتار ملتهای کامله الوداد را بین اعضای آن برقرار می کند. رفتار ملتهای کامله الوداد امتیازی است که دولت اعطا کننده به دولت ذی نفع می دهد و متعهد می گردد که در صورت توسعه و افزایش این امتیاز در روابط فی مابین دولت اعطا کننده با یک دولت ثالث، امتیاز توسعه یافته را به این دولت ذی نفع نیز تسری می دهد. این اصل قرن دوازدهم به منظور جلوگیری از تبعیض در تجارت بین المللی و سپس از طریق معاهدات مودت، تجارت و کشتیرانی و معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری با هدف ترویج و حمایت از سرمایه گذاری در موافقت نامه های بین المللی وارد شده است. (یانیک، ۲۰۰۹: ۱۷۶) بنابراین، تعهدات در این سازمان از رهگذر اصل ملتهای کامله الوداد ماهیت چند جانبه پیدا می کند، اجرای این اصل، موجب تسهیل آزادی تجارت و رفع تبعیضات موجود بین کشورهای عضو و برقراری نظامی برابر در روابط تجاری آن ها خواهد شد. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۸۰)



۹- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ج.ا.ایران از سال

۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱

۹-۱- قطعنامه ۱۶۹۶

این قطعنامه در ۳۱ جولای ۲۰۰۶ میلادی (۹ مرداد ۱۳۵۸) تصویب شد. در اولین پاراگراف قسمت اجرایی قطعنامه آمده است، برای ملزم کردن ایران برای توقف غنی‌سازی و الحاق به پروتکل موافقت‌نامه‌های پادمان راهی جز ارجاع موضوع به شورای امنیت و توسل به ماده ۱۰ منشور وجود ندارد.

۹-۲- قطعنامه ۱۷۳۷

قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی تصویب شد، به صورت آشکار به تحریم انتقال دانش و فناوری، بازرگانی، افراد و آموزشی مبادرت ورزیده است. در بند ۸ از کلیه دولت‌های عضو سازمان می‌خواهد که در خصوص ورود و عبور افراد مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای نیز مواظبت نمایند. همچنین در بند ۱۲ از کلیه دولت‌ها می‌خواهد، دارایی افراد تحریم شده را مسدود کنند و در بند ۱۷ از دولت‌ها خواسته از تدریس و آموزش اتباع ایرانی در حوزه هسته‌ای خودداری کنند.

۹-۳- قطعنامه ۱۷۴۷

این قطعنامه در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ میلادی تصویب شد. در بند ۲ از کلیه دولت‌ها می‌خواهد که در مورد افراد مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای مراقبت نمایند که در حقیقت به تحریم مسافرتی و افراد به خصوص دانشمندان اقدام می‌کنند. در بند ۴ افرادی در حوزه‌های علمی، سیاسی، حاکمیتی و شرکت‌های تولیدی و خدماتی که به نظر شورای امنیت در فعالیت‌های هسته‌ای شرکت می‌کنند را مورد تحریم قرار می‌دهد، (تحریم افراد و بازرگانی). در بند ۵ می‌خواهد که ایران به تأمین و فروش



بابت تحریم های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

یا انتقال مستقیم و غیر مستقیم سلاح اقدام نکنند که همان تحریم تسلیحاتی می باشد. در بند ۷ از دولت ها می خواهد که متعهد به کمک مالی و وام جدید به ایران نشوند، (تحریم سرمایه گذاری).

۹-۴- قطعنامه ۱۸۰۳

قطعنامه ۱۸۰۳ در بند ۳، مانند بند ۱ قطعنامه ۱۷۴۳ از کلیه دولت ها می خواهد، در مورد ورود افراد مرتبط با فعالیت های هسته ای ایران مراقبت به عمل آورند. شورای امنیت در این بند، تحریم افراد و مسافرت را اعمال کرده است. در این بند به تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی اشاره شده است. در حقیقت، تحریم افراد سیاسی و بازرگانی را تحمیل نموده است. در بند ۹ شورای امنیت از کلیه دولت ها عدم همکاری مالی، بانکی و بیمه ای در راستای تولید و تکثیر فعالیت های هسته ای ایران را می خواهد که در حقیقت مجوز تحریم مالی و بانکی کلی و بدون هدف بر مؤسسه ها و بانک های ایرانی است. بند ۱۰ هوشیاری کلیه دولت ها نسبت به فعالیت های بانکی و مالی ایرانی به خصوص بانک های ملی، صادرات و شعبه های خارج از ایران آن ها را می خواهد. در بند ۱۱، شورا از کلیه دولت ها بازرسی محموله های به سمت ایران که مظنون به حمل کالاهای مرتبط با فعالیت های هسته ای را طلب می کند.

۹-۵- قطعنامه ۱۸۳۵

قطعنامه ۱۸۳۵ مصوب ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی با یادآوری تعهدات مورد نظر شورای امنیت، پنجمین قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران است. همچنین از ایران خواسته مفاد قطعنامه های قبلی از جمله تعلیق غنی سازی را اجرا نماید.



۶-۹- قطعنامه ۱۸۸۷

قطعنامه ۱۸۸۷ مصوب ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ میلادی، بدون نام ایران از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای متعهد و ضوابط و احتیاط‌های لازم در خصوص بهره‌برداری از انرژی اتمی را رعایت نمایند. نکته قابل توجه بند ۴ قطعنامه آن است که از تمامی دولت‌های برخوردار از انرژی هسته‌ای می‌خواهد، به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بپیوندند و در حقیقت این تکلیفی برای همه دولت‌ها اعم از هند، پاکستان و اسرائیل است.

۷-۹- قطعنامه ۱۹۲۹

این قطعنامه در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ میلادی تصویب شد. بند ۸ قطعنامه به تحریم تسلیحاتی ایران اقدام نموده که مغایر با حق دفاع مشروع دولت‌ها بر اساس ماده ۵۱ منشور است. در بند ۱۸ قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد، در صورتی که اطلاعاتی در دست داشته باشند، مبنی بر اینکه کشتی‌ها و شناورهایی که در حال حمل کالاهایی هستند که تأمین و فروش آن‌ها طبق قطعنامه‌های تحریمی ممنوع است از ارائه خدمات ذخیره‌ای مانند تأمین سوخت به کشتی‌ها و شناورهای ایرانی یا دارای قرارداد با ایران ممانعت به عمل آورند. همچنین، بند ۱۵ و ۱۴ قطعنامه به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا هواپیماها و کشتی‌های مظنون که از ایران یا به طرف آن در حال حرکت هستند، در قلمرو سرزمینی خود بدون اخذ مجوز در صورت وجود اطلاعات موثق مبنی بر وجود یکی از اقلام ممنوع شده در قطعنامه‌های قبلی و ۱۹۲۹ از دولت صاحب پرچم بازرسی کنند. قطعنامه ۱۹۲۹، پر اثرترین قطعنامه بر ایران است و مهم‌ترین اثر آن تشدید تحریم‌های یکجانبه می‌باشد. (شهبازی، ۱۳۹۰: ۷۱)



۱۰- تأثیر تحریم و نقض حقوق بشر در تحریم‌ها علیه ایران

حقوق بشر تبدیل به گفتمانی شده است که در جامعه جهانی رعایت آن می‌تواند به عنوان عاملی مهم در مقبولیت عمومی یک کشور تلقی شود. حقوق بشر تا بدان جا اهمیت یافته است که تمامی سازوکارهای بین‌المللی نیز باید مطابق آن باشند. تحریم‌هایی که به وسیله شورای امنیت و حتی یکجانبه وضع می‌شوند، نیز در دایره حقوق بشر می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی می‌باشد که مورد هدف تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه آمریکا و اروپا قرار گرفته است. تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر ایران بسیار گسترده و مؤثر بوده است. تحریم‌های یکجانبه آمریکا از جوانب مختلف، موجب نقض حقوق بشر در ارتباط با شهروندان ایرانی شده است.

تحریم‌های آمریکا جزئی از تحریم‌های یکجانبه است. آمریکا، اقدامات ایران در زمینه هسته‌ای را برای جامعه بین‌الملل خطرناک می‌داند و هدف خود را توقف این برنامه‌ها اعلام کرده است، اما همیشه برای آمریکا توقف تأثیر تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی و برنامه‌های هسته‌ای مهم نبوده است، چنانچه در دهه ۱۹۸۰ به پاکستان کمک‌های اقتصادی می‌کرد با وجود قوانینی که چنین کمک‌هایی که در صدد به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای است را منع می‌کرد. بسیاری معتقدند که اقدامات آمریکا در اعمال قوانین خود نسبت به رفتارهایی که در سایر کشورها انجام می‌گیرد، بیانگر نوعی مداخله غیرقابل قبول در حقوق حاکمیتی آن کشورها می‌باشد.

به منظور نیل به اینکه آیا تحریم‌های اقتصادی آمریکا خسارت جدی به ایران وارد آورده‌اند، ضروری است آثار چنین تحریم‌هایی بر اقتصاد کشور مورد بررسی



قرار گیرد. علی‌رغم گرایش آمریکا در استفاده از تحریم‌های اقتصادی، آثار واقعی این تحریم‌ها به وسیله هافبوئر، اسکات و الیوت نشان می‌دهد که از زمان جنگ جهانی دوم تنها یکی از سه تحریم اقتصادی در نیل به نتایج سیاسی پیش‌بینی شده، موفقیت‌آمیز بوده است. همچنین، از میان ۱۰۳ تحریم تشریح شده به وسیله این نویسندگان آمریکایی ۶۹ مورد یا به عبارت دیگر، ۶۷٪ تحریم‌ها توأم با موفقیت نبودند. به این معنی که آن‌ها دارای حداقل تأثیر بودند یا اساساً هیچ‌گونه اثری بر رفتار کشور تحریم شده ایجاد نکرده‌اند، در خصوص ایران می‌توان گفت هر چند که تحریم‌های آمریکا باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار آمریکا نشده است، ولی در صورت عدم وجود تحریم، اقتصاد کشور در وضعیت مطلوب‌تری قرار می‌گرفت. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۳۳۶)

با تدقیق و تعمیق در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۷/۰۱/۱۳۶۰ می‌توان نتیجه گرفت که تحریم‌های اقتصادی آمریکا نه تنها سبب بروز تنگنانهایی در خرید و واردات کالا از خارج گردید، بلکه باعث افزایش تعداد واسطه‌ها در خریدهای کشور از خارج، افزایش هزینه‌های حمل و نقل، بیمه و توقف کشتی‌ها و طولانی شدن مدت زمان حمل کالا به علت تأمین کالاهای ضروری به وسیله واردکنندگان از طریق واسطه‌های کویتی یا دیگر بنادر خلیج فارس شد. آشفتگی سیستم توزیع، احتکار و گران‌فروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها و تشکیل کمیته صنفی و دادگاه انقلابی ویژه در این مورد را می‌توان از دیگر تبعات تحریم‌های آمریکا دانست. تحریم‌های آمریکا ایران را مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر برای کالاهای وارداتی نموده است. یکی از آثار تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ایران، کاهش ارزش ریال بوده است که به نوبه خود باعث کاهش واردات و



بابت تحریم های آمریکا علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی

تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی شده است. به عبارت دیگر، تحریم های آمریکا جو سرمایه گذاری در ایران را تغییر داد و موجب انتقال نیافتن تکنولوژی به ایران شد. همچنین تحریم های آمریکا، ایران را مجبور کرد تا قسمتی از طرح های توسعه ساختاری اقتصادی پس از جنگ را متوقف کند. با این وجود، این تحریم ها مانع از فعالیت شرکت های نفتی در ایران نگردید، علت آن روابط خوب ایران با شرکت های استخراج و بازاریابی نفت جهانی بوده است. به طور قطع تا زمانی که تقاضا برای نفت خام ایران در بازارهای جهانی به اندازه کافی موجود باشد، دشواری چندانی برای ایران ایجاد نخواهد شد. (توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۲۱۴)

تحریم های اقتصادی گرچه معمولاً خساراتی را بر کشور تحمیل می کنند، اغلب برای کشورهای تحریم کننده نیز دارای هزینه های سنگینی نیز می باشند. برای مثال تحریم های آمریکا در درجه اول شرکت های نفتی را تحت تأثیر قرار داده است. شرکت های مزبور در سال ۱۹۹۴، نزدیک به ۵/۳ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده اند. برآوردها نشان می دهد، تحریم های آمریکا بر ایران، لیبی و سوریه سالانه ۷ میلیارد دلار خسارت جانبی بر آمریکا وارد می کنند و باعث از بین رفتن ۰۰۰/۲۰۰ شغل در این کشورها می شوند. مطالعه انجام شده به وسیله مؤسسه اقتصاد بین المللی، حاکی از این است که هزینه تحریم های وارد شده بر شرکت های آمریکایی در سال ۱۹۹۵ به تنهایی ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار بوده است. گریز از تحریم یک روش مهم تعدیل تحریم های اقتصادی از طریق توسعه منابع عرضه جانشین، متنوع کردن شرکای تجاری کشور و پذیرش سیاست تجهیز اقتصادی و خودکفایی محسوب می گردد. همان گونه که هانلون و اومند استدلال می کنند، موفقیت در مقابل اقتصادی که نسبتاً خودکفاست، مشکل تر است. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۳۳۷)



سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چرا تحریم‌های یکجانبه آمریکا کاملاً موفقیت آمیز نبوده‌اند، بررسی انجام شده به وسیله یک اقتصاددان ایرانی در آمریکا نشان می‌دهد که اقتصاد ایران تحت تحریم‌های آمریکا در برخی موارد حتی سالم‌تر و باثبات‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای است که آمریکا به آنها کمک کرده است. همان‌گونه که کامپفر و لوئنگر استدلال می‌کنند، اساساً بدون همکاری کامل همه شرکای تجاری بالقوه، ایراد صدمه بر صادرات یا واردات یک کشور از طریق تحریم به سختی قابل تحقق می‌باشد. (توحیدی‌فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۹)

بنابراین بدون یک پشتیبانی نیرومند به ویژه از طرف شرکای تجاری اروپایی و ژاپن، تحریم‌های آمریکا تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر منافع اقتصادی دراز مدت ایران نخواهد داشت. همچنین از لحاظ تاریخی تحریم‌های اقتصادی تنها در صورتی به نتیجه رسیده‌اند که به صورت جهانی، جامع و مداوم به کار رفته‌اند و از مشروعیت و اعتبار لازم برخوردار بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

در حال حاضر اصول حقوق بشر در جهان به عنوان یک موضوع مهم و دغدغه اصلی تمامی ملل دنیا قرار گرفته که در این میان کشورهای اروپایی و آمریکا خود را سردمدار اجرای موازین حقوق بشری معرفی کرده اند و دولت ایالات متحده آمریکا با استفاده ابزاری از حقوق بشر، کشورهای مخالف خود را ناقض حقوق بشر معرفی می کند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی خود در سال ۱۳۵۷ تاکنون که دهه چهلیم خود را پشت سر نهاده همواره مورد تهدیدات و تحریم های مختلف آمریکا قرار گرفته است. بیشترین تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم های هسته ای است، آمریکا به بهانه اینکه ج.ا.ایران به دنبال استفاده از سلاح های کشتار جمعی می باشد و با استفاده از ابزارهای رسانه ای و فضای مجازی که در اختیار دارد، به دنیا تلقین می کند که ج.ا.ایران در آینده یک تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی می باشد؛ لذا در همین راستا تحریم هایی را در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران به تصویب رسانده است. نکته اصلی در رابطه با تحریم های آمریکا علیه ج.ا.ایران این است که تحریم های یکجانبه و تحریم های شورای امنیت سازمان ملل نباید مغایر با حقوق بشر باشد، اما وقتی که به تحریم های آمریکا علیه ج.ا.ایران نگاه می کنیم، مهم ترین مصادیق حقوق بشری را نقض نموده است و حتی کشورهای دوست آمریکا را نیز وادار کرده که در صورت عدم تحریم ایران مجازات سنگینی را علیه آنان وضع خواهد کرد. تحریم های آمریکا در زمینه های اقتصادی به خصوص تحریم های نفتی ضربات سنگینی علیه شهروندان ایرانی داشته است. تحریم انواع اقلام دارویی برای بیماران خاص، نمونه اصلی این مصداق است. تحریم های هسته ای ایران و ترور دانشمندان ایرانی که در زمینه فناوری های صلح آمیز هسته ای



کار علمی انجام می‌دادند، نمونه آشکار نقض قوانین و حقوق بین‌المللی است. آثار تحریم‌های آمریکا در مقاطع مختلف موجب نقض گسترده حقوق بشر شده است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که هدف تمامی تحریم‌ها علیه کشورهای عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی و ایران به بهانه نقض حقوق بشر گویای این مطلب است که منافع دولت آمریکا ایجاب می‌کند که با استفاده ابزاری از حقوق بشر بتواند به اهداف خود برسد، یعنی استفاده سیاسی از حقوق بشر برای حفظ منافع ملی آمریکا و دولت‌های حامی خود تفسیر نقض یا عدم نقض حقوق بشر را دولت آمریکا تعیین می‌کند که جمهوری اسلامی ایران، با رویکرد اتکا به توان داخلی خود و اقتصاد مقاومتی و روحیه انقلابی و جهادی تاکنون موفق به پیشبرد اهداف خود در منطقه غرب آسیا بوده و نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی توانسته بر تحریم‌ها پیروز شود و از جنگ اقتصادی که آمریکا علیه ج.ا.ایران شروع کرده موفق بیرون آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۹) تحریم کارساز نیست، ماهنامه مهرنامه، سال اول، شماره ۳.

احمدخان بیگی، سمانه (۱۳۹۰) گزارش ارزیابی تحریم های حقوق بشری آمریکا و اروپا علیه ایران، دفتر مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

بزرگی، وحید (۱۳۸۸) «تحریم ها و ملاحظات سیاسی و امنیتی در سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه پژوهش های تجارت جهانی، شماره ۱۶ و ۱۷.

توحیدی فرد، محمد (۱۳۸۱) *ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

جاوید، احسان (۱۳۹۳) «مشروعیت تحریم ها در حقوق بین الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، خصوصی و کیفری، شماره ۲۲.

حجت زاده، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸) «اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجارت: چالش ها و فرصت ها»، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره ۱۱.

حدادی، مهدی (۱۳۹۰) *تحول در اجرای مسئولیت بین المللی دولت ها*، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.

رضایی، محمدتقی (بی تا) *نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت*، تهران: نشر میزان.
زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶) *نظریه های تحریم اقتصادی*، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و اقتصادی.



علیخانی، حسین (۱۳۸۰) **تحریم ایران: شکست یک سیاست**، ترجمه محمد تقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

نژندی منش، هیبت‌الله (۱۳۸۵) **تحریم‌های اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر**، روزنامه اعتماد ملی.

نونژاد، مسعود (۱۳۸۳) **تجارت بین‌الملل: سازمان‌های تجاری بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های چندملیتی**، جلد سوم، شیراز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.

زمانی، سید قاسم؛ جمشید مظاهری (۱۳۹۰) «تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۴.

شهبازی، آرامش (۱۳۹۰) «اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۸، شماره ۴۴. کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۰) **حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد**، تهران: انتشارات دفتر حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

نعمتی، نیلوفر (۱۳۹۰) **مشروعیت تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران مرکز.

یزدانفام، محمود (۱۳۸۷) «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم.

